

## جغرافیای تاریخی

# کوفه

حسین ایزدی \*

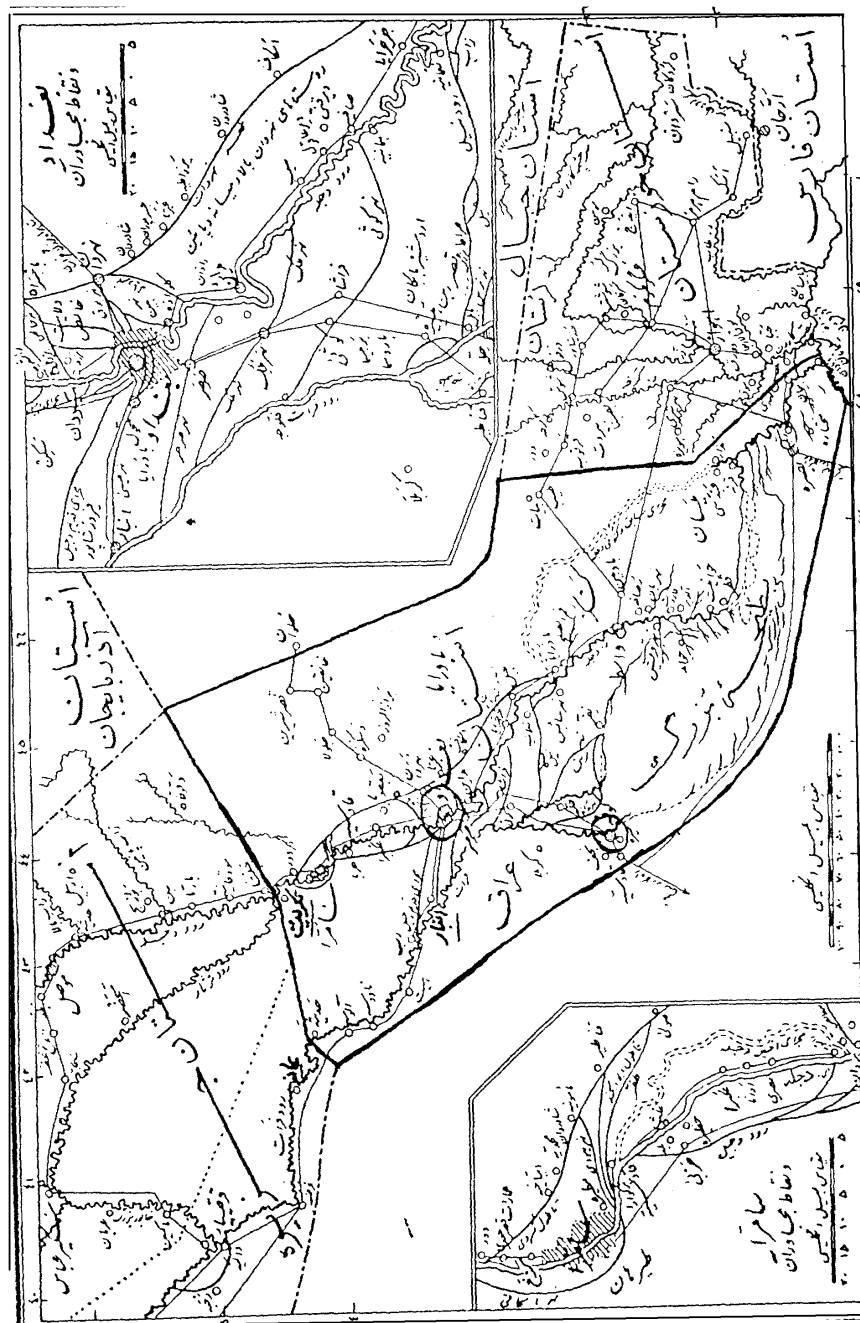
در دوره خلافت خلیفه دوم، مسلمانان که هدف فتح ایران را در سر داشتند، به دنبال محلی بودند که علاوه بر نزدیکی به مرز ایران، از نظر آب و هوایی، مطلوب ساکنین جزیره العرب باشد؛ از این رو سعد بن ابی وقاص پس از مکاتبه با خلیفه دوم، به سلمان فارسی و حذیفه بن الیمان مأموریت داد تا به دنبال محلی مناسب جهت اسکان خود و گله شترانشان باشند. در پی این مأموریت، منطقه‌ای در ساحل غربی رود فرات و نزدیکی شهر باستانی حیره انتخاب گردید، که بعدها کوفه نامیده شد، و این اولین شهری بود که پس از ظهور اسلام، به وسیله مسلمانان ساخته شد.

\* عضو هیأت علمی گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وجعلنا من الماء كل شيء حي»<sup>(۱)</sup> و دقیقاً به همین دلیل است که تمامی تمدن‌های بزرگ در کنار دریاها و رودخانه‌های عظیم تشکیل شده است؛ یا به عنوان مثال، بین‌النهرین که یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین حوزه‌های مهم تمدنی جهان می‌باشد در کنار دو رودخانه دجله و فرات واقع گردیده است. لغت «بین‌النهرین» اختصاص به این منطقه خاص داشته و برای هیچ منطقه دیگری که بین دو رود واقع شده باشد استعمال نمی‌شود؛ به عنوان مثال، به مناطق اطراف دو رودخانه سیحون و جیحون در شرق ایران، ماوراءالنهر می‌گویند. طبیعت جلگه پهناور بین‌النهرین که دو رود بزرگ دجله و فرات در آن جریان دارد از دو بخش تشکیل یافته است؛

**۱- قسمت شمالی**، که دارای مراتعی سرسبز بوده و در واقع، قلمرو اصلی دولت باستانی آشوریان است.

**۲- قسمت جنوبی** که به دلیل رسوبی بودن خاک آن، بسیار حاصل‌خیز بوده و نخلستان‌های پرثمر آن از نهرهایی که از دجله و فرات منشعب شده‌اند سیراب می‌گردد. ساکنین جنوبی بین‌النهرین نه تنها مشکلی به نام کمبود آب نداشتند، بلکه در مواقعی، فراوانی آب، مشکلاتی همچون طغیان رودخانه‌ها و جاری شدن سیلاب‌های مخرب را برای آنان در پی داشت. پس از انقراض ساسانیان و با ورود اعراب مسلمان به این منطقه، قسمت شمالی آن را، به دلیل قرار گرفتن در میان آب دو رود دجله و فرات به هنگام طغیان، و نیز به دلیل این که ساکنان این منطقه تا آن زمان تجمع این میزان آب به دور یک دشت وسیع را مشاهده نکرده بودند، «جزیره» نامیدند. این سرزمین، یعنی قسمت شمالی بین‌النهرین، به سه بخش تقسیم می‌شد که هر بخش را «دیار» می‌گفتند. سه دیار شمالی بین‌النهرین عبارت بودند از: دیار بکر، دیار ربیعه، و دیار مضر، که در واقع از نام سه قبیله‌ای که قبل از ظهور اسلام و در زمان ساسانیان به آن جا کوچ کرده و تحت فرمانروایی ساسانیان در آمدند گرفته شده است. شهر «آمد» که در ساحل رود دجله و در جنوب ترکیه قرار داشت مرکز دیاربکر و



برگرفته از کتاب: «سیره و قیام زید بن علی بن حسین (ع)، اثر مرحوم استاد حسین کریمان، ص ۱۳۷.

محل سکونت بکریان بود. «موصل» که در ساحل رود دجله و در شمال عراق قرار داشت بزرگ‌ترین شهر دیار ربیعه و محل سکونت قبیله ربیعه بود، و محل سکونت مضریان، «رقه» بود که در ساحل رود فرات و در شمال سوریه قرار داشت. قسمت جنوبی بین‌النهرین نیز توسط اعراب، «عراق» نامیده شد. کلمه «عراق» در لغت، «ساحل دریا به طور درازا»، «بستر رودخانه از ابتدای جریان تا ریزش به دریا»، و «پایین تا بالای رودخانه» معنی شده و به معنی صخره و ساحل هم آمده است. نگاهی به وضعیت طبیعی سرزمین عراق، با توجه به وجود دو رود دجله و فرات، علت این نام‌گذاری را روشن می‌نماید. اکثر جغرافی‌نویسان مسلمان مرز بین دو بخش بین‌النهرین، یعنی عراق و جزیره، را خطی قرار داده که تقریباً از شهر تکریت در شمال بغداد به سمت غرب امتداد می‌یافت و بدین ترتیب، بسیاری از شهرهای ساحلی را که در شمال شهر «انبار» قرار داشت داخل در منطقه عراق [بین‌النهرین جنوبی] نمودند. این خط مرزی، رود فرات را از جنوب شهر «عانه» در محلی که این رود به طرف جنوب خمیدگی بزرگی پیدا می‌کند قطع می‌نماید.<sup>(۲)</sup> جنوب بین‌النهرین در گستره‌های بسیار وسیع پدید آمده که از طرف شرق در پناه چنبره عظیم زاگرس قرار دارد و از طرف غرب با شیبی ملایم به سوی بیابان شام بالا می‌رود. چهره طبیعی خاک عراق از بغداد تا خلیج فارس به طرز شگفت‌انگیزی متفاوت است و آب در آن نقش عمده‌ای دارد. علاوه بر این، مناظر طبیعی آن نیز از تنوع بیشتری برخوردار است. ناهماهنگی طبیعی این منطقه با بیابان شام در طول انحنای بزرگی که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد کاملاً واضح و مشخص است. در کوه‌پایه‌های سلسله جبال زاگرس در شرق عراق، پنجه‌های آبرفتی عظیمی در کنار هم قرار دارند که شعاع پایه آن‌ها معمولاً به بیش از پانصد کیلو متر می‌رسد و شیب آن‌ها به قدری کند است که به نظر، دشت‌هایی با ابعاد نامحدود می‌آیند. این پنجه‌های آبرفتی که از دهانه تنگ زاگرس یا از دره‌های چین‌خورده کوهستانی واقع در دامنه رشته کوه زاگرس آغاز می‌شود، در زندگی مردم بومی منطقه، یعنی کشاورزان، عشایر

بختیاری و قبایل عرب، دارای اهمیت بسیار و نقش اساسی است؛ زیرا باعث می‌شود که آب شرب و مورد استفاده آن‌ها به خوبی زهکشی شده و کوهپایه‌ای خشک پدید آورد که اگر به درستی آبیاری شود برای کشت و زرع بسیار مناسب است. البته گفتنی است که این عنصر حیاتی از هر بلا و آفت محتمل‌الوقوع دیگری برای این سرزمین خطرناک‌تر بوده است، زیرا در این منطقه طغیان رودخانه‌ها ابعاد بسیار عظیمی به خود گرفته و زمین‌های اطراف خود را تا شعاع ده‌ها کیلومتر در آب غرق می‌کند.

پس از فتح قسمت شمالی و جنوبی بین‌النهرین توسط مسلمانان در قرن اول هجری، این منطقه و بویژه قسمت جنوبی آن یعنی عراق که تا پیش از ورود اسلام، بخش مرکزی امپراطوری ساسانیان بود با مهاجرت و حضور و اسکان گسترده قبایل عرب تبدیل به یک سرزمین صددرصد عربی شد. پس از پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه در سال چهاردهم هجری، و تصرف شهر تیسفون پایتخت ساسانیان، خلیفه دوم به سعدبن ابی وقاص فرمانده سپاه اسلام در عراق دستور داد تا در آن‌جا بمانند. بدون شک وی چنین اقدامی را با نیت استحکام بخشیدن به سیطره مسلمانان در عراق تا فرارسیدن زمان مناسب برای پیشروی به عمق خاک ایران انجام داد. مسلمانان پس از حدود چهارده ماه سکونت در شهر مداین [تیسفون]، احساس خستگی کرده و نتوانستند با محل جدید سکونت خود که دارای آب و هوایی مرطوب، ناسالم و متعفن بود خو بگیرند. به رغم امتیازهایی که یک شهر ساخته و سازماندهی شده در اختیار آنان می‌گذاشت، آب و هوای این شهر مطلوب ساکنین جزیره‌العرب نبود؛ حشرات موذی به گله و رمه آنان حمله‌ور شده و آنان را آزار می‌دادند، درحالی‌که در بیابان‌های عربی عربستان نه تنها با چنین مشکلی روبرو نبودند، بلکه در آن‌جا از هوایی پاک و سالم و مراعاتی باز و سرسبز نیز بهره‌مند بودند. بدون تردید لزوم خو گرفتن با محیط طبیعی در هر نقطه‌ای که اعراب قصد سکونت در آن را داشتند بسیار حایز اهمیت بود. آن‌ها به دلیل در اختیار داشتن گله‌ها و رمه‌های خویش و بویژه شترهایی که از جزیره‌العرب با خود آورده بودند، با جایی سازش پیدا می‌کردند که هم

دارای محیطی خشک، استپی و صحرائی باشد و هم از موقعیت زراعی مناسبی برخوردار باشد. در واقع، فرماندهان مسلمان در بین‌النهرین به دنبال یک موقعیت و محل مناسبی بودند که مراقبت و حفاظت از مناطق تازه تصرف شده در بین‌النهرین جنوبی [عراق] را امکان‌پذیر کند، بدون آن‌که از دنباله خاک عربستان به واسطه مراتع طبیعی مثل رودخانه و دریا جدا باشد. سعدبن ابی وقاص پس از مکاتبه با خلیفه دوم و منعکس نمودن مشکلات ناشی از حضور مسلمانان در مداین، طبق دستور وی به دنبال جایی بود تا مناسب زندگی اعراب و شترهایشان باشد.<sup>(۳)</sup> سلمان فارسی به دلیل ایرانی بودن و آشنایی با منطقه، به همراه حذیفه بن الیمان مأمور پیدا کردن چنین مکانی شد. آن‌ها در طول رود فرات حرکت کرده و پس از بررسی دو، سه منطقه، مثل شهر انبار، منطقه نسبتاً مرتفعی را در کنار ساحل غربی رود فرات و نزدیک شهر باستانی حیره انتخاب نمودند و به دنبال آن، سعدبن ابی وقاص به نیروهای تحت امر خود دستور داد تا همگی به این منطقه کوچ کرده و در آن جا چادر زده و ساکن گردند، و این اولین شهری بود که پس از ظهور اسلام به وسیله مسلمانان ساخته شد و «کوفه» نام گرفت.<sup>(۴)</sup> علت نام‌گذاری آن به این اسم این بود که محل انتخاب شده، در قطعه زمینی دایره‌وار که در آن ریگ و گل و شن درهم آمیخته و خاک آن سرخ رنگ بود قرار داشت که عرب به چنین زمینی کوفاناً می‌گویند، که این نام به تدریج به کوفه تغییر یافت. هشام بن محمد کلبی که از اولین جغرافی‌نویسان مسلمان است در این باره چنین می‌گوید: «نام کوفه از تپه کوچکی که در وسط آن شهر واقع بود به نام کوفان گرفته شده و به قول بعضی کوفان به معنی بلا و شر است.»<sup>(۵)</sup>

پس از مدتی که از سکونت مسلمانان در کوفه گذشت چادرهای پشمین قبایل عرب تبدیل به خانه‌های ساخته شده از نی و سپس تبدیل به خانه‌های خشت و گلی شد. اولین ساختمانی که در شهر کوفه بنا گردید و تقسیم بندی شهر و محله‌های آن بر اساس آن و در کنار آن انجام شد، مسجد جامع کوفه بود که ساخت آن هم‌زمان با حضور مسلمانان در این منطقه آغاز شد. تعیین حدود و فضای مورد نیاز ساخت

مسجد از طریق پرتاب تیر انجام شد؛ بدین صورت که یک نفر تیرانداز در مرکز محل مسجد که از قبل تعیین شده بود قرار گرفته و اقدام به پرتاب تیر چهار جهت اصلی نمود.<sup>(۶)</sup> قبله مسجد در جنوب غربی به عنوان نقطه مبدأ در نظر گرفته شد. به این ترتیب یک محیط چهارگوش که هر ضلع آن دو برابر غلوه<sup>(۷)</sup> بود معین گردید. بنابراین، هر ضلع مسجد کوفه ۴۸۰ متر و مساحت آن ۲۳۰۴۰۰ متر مربع، یعنی ۲۳/۰۴ هکتار بود، که گنجایش تعداد بسیار زیادی از نمازگزاران را داشت.<sup>(۸)</sup>

در واقع، شکل ابتدایی کوفه از سه عنصر تشکیل یافته بود: اول، منطقه وسیع مرکزی که منطقه‌ای است مذهبی و سیاسی و نظامی شامل مسجد و دارالاماره، یعنی مرکز فرماندهی و تجمع مردم، دوم، زمین‌های محل سکونت قبایل که مرزبندی و تعیین حدود شده بود. به هر گروه از قبایل عرب که در فتح بین‌النهرین و نبرد قادسیه و آغاز بنای کوفه شرکت داشتند و به آن‌ها «اهل الایام و القادسیه» می‌گفتند، محله‌ای جهت سکونت و فضایی باز برای چرای شتران، ساخت خانه‌های جدید و گورستان داده می‌شد. این محل‌ها در بسط و توسعه شهر کوفه از اهمیت زیادی برخوردار بود، زیرا فضای کافی را برای کسانی که بعدها به سوی کوفه می‌آمدند آماده می‌کرد.

سومین عنصر تشکیل دهنده شکل ابتدایی کوفه، عنصر جداکننده و آمد و شد یا همان کوچه‌ها و خیابان‌های اولیه کوفه بود که ضمن جداسازی سهم قبایل مختلف از زمین‌ها، تجمع سریع و حضور به موقع سربازان در مرکز شهر یعنی مسجد و دارالاماره را نیز امکان‌پذیر می‌کرد. در کنار این موارد که تشکیل دهنده فضای مرکزی شهر کوفه بود بخشی دیگر وجود داشت که به رغم نزدیکی به مقر فرماندهی حاکم کوفه و مسجد مرکزی، کاملاً از این دو جدا بود؛ بازارهای کوفه در زمان تأسیس این شهر در طی دوران حکومت خلفای راشدین سازماندهی و منظم نشد، بلکه در زمان امویان و با توجه به اهمیت سیاسی و نظامی کوفه در اداره حکومت عراق و ایران شکلی جدی و رسمی به خود گرفت و رونق و گسترش یافته و از کالاهای مختلف پر شد. مسأله مهمی که پس از شکل‌گیری شهر کوفه، به عنوان یک شهر نو بنیاد اسلامی،

در تاریخ این شهر و ساختار اجتماعی آن اهمیت دارد، حضور قبایل مختلف عرب در آن می‌باشد. در ترکیب جمعیتی شهر کوفه تعداد افرادی که از نواحی دور دست آمده بودند بین پانزده تا بیست هزار نفر برآورد می‌شد که ساخت و ترکیب قبیله‌ای بسیار ناهمگونی داشتند و هیچ طایفه بزرگی که در کوفه حاکمیت را در دست داشته باشد نداشت. شهر کوفه بر اساس تقسیم‌بندی قبایل که سعدبن ابی وقاص پس از مشورت با عمر بن خطاب انجام داده بود، از هفت بخش قبیله‌ای تشکیل می‌شد که شامل قبایل مختلف نزاری و یمنی بود. بسیار مشکل است که تعداد دقیق اولین مهاجرین و قبایل حاضر در کوفه را مشخص کرد. محمد بن جریر طبری در کتاب «الرسول و الملوک» روایات مفصلی در مورد قبایل حاضر در نبرد قادسیه که در شکل‌گیری و تأسیس کوفه نقش مهمی داشتند ارائه داده و می‌گوید سی هزار نفر از اعراب در این جنگ شرکت داشتند. با توجه به احتمال مبالغه‌آمیز بودن این رقم، باید گفت که احتمال حضور تمامی این سی هزار نفر در مهاجرت به کوفه و سکونت در آن‌جا نیز بعید است. یاقوت حموی درباره جمعیت و ساختمان کوفه می‌گوید: «عمر بن الخطاب به سعدبن ابی وقاص دستور داد مسجد جامع کوفه را به نحوی طراحی کند که گنجایش چهل هزار نفر سربازی که می‌بایست در آن‌جا مستقر شوند داشته باشد.»<sup>(۹)</sup> احمد بن یحیی بلاذری در «فتوح البلدان» در این باره چنین گزارش می‌دهد: «تعداد کل مهاجرین اولیه به کوفه بیست هزار نفر بود که از دوازده هزار نفر یمنی و هشت هزار نفر نزاری تشکیل شده بود.»<sup>(۱۰)</sup> وی چهار هزار نفر از دیلمیان که با مهاجرین عرب، ساکنین اولیه کوفه را تشکیل می‌دادند را نیز با این رقم اضافه می‌کند.<sup>(۱۱)</sup>

با گسترش حدود و ثغور سرزمین‌های اسلامی در مرزهای ایران ساسانی و نیاز به در اختیار داشتن نیروی نظامی و سربازان بیشتر، که مهاجرت و حضور قبایل بیشتری را در بین‌النهرین به دنبال داشت، جمعیت کوفه نیز رشد سریعی نمود. تازه‌واردین عرب که به آن‌ها «روادف» می‌گفتند، پس از تکمیل فتوحات شام و مصر دیگر هیچ‌گونه فرصتی را برای کسب غنائم در مناطق غربی نیافتند و از آن‌جا که احتمال



---

حمله مجدد به امپراطوری ساسانی و زمینه گسترش قلمرو خود در شرق را پیش بینی می کردند در این فکر بودند که حضور آنان در کوفه فرصت جدیدی برای کسب غنائم جنگی خواهد بود.

دومین جریان جمعیتی در کوفه، آغاز دور جدید مهاجرت ایرانیان بود که پس از چهارهزار نفر دیلمی، رو به این شهر آورده بودند. بخشی از این مهاجرین، کسانی بودند که در جریان سه نبرد قادسیه، جلولاء و نهاوند به عنوان برده اسیر شده و اکثراً اسلام را از صاحبان عرب خود پذیرفته و آزاد شده بودند، ولی به صورت هم پیمان قبایل عرب باقی مانده بودند. از طرف دیگر، وابستگی جغرافیایی نسبت به این شهر که در مرکز حکومت سابق ساسانی قرار گرفته بود آن را برای مردم ایران که وسایل زندگی و معیشت خود را در امپراطوری ساسانی از دست داده بودند، به محل مناسبی جهت مهاجرت تبدیل می نمود. از سویی دیگر، تعداد زیادی از روستائیان ایرانی بودند که با سقوط نظام ساسانی و آزادی و عدالتی که حکومت اسلامی برای آنها به ارمغان آورده بود امکان رشد و حضور در سایر طبقات اجتماعی را یافته بودند برای پیدا کردن مشاغل جدید راهی شهرهای مختلف شدند که در این میان، کوفه که در مرکز بین النهرین جنوبی قرار داشت مکان مناسبی برای وصول به این امر بود. در واقع، شهر کوفه به لحاظ حضور نسبتاً پر تعداد ایرانیان در آن جو اجتماعی سازگاری را برای اقامت سایر ایرانیان ایجاد می کرد. متأسفانه ایرانیان حاضر در کوفه به رغم قبول اسلام و مجاهدت و فداکاری در راه آن، در نظام اجتماعی شهر کوفه از موقعیت مساوی با شهر وندان عرب برخوردار نبودند و آنان را «موالی» می خواندند که نشان از دون پایگی اجتماعی آنان در نزد اعراب داشت. آنها در دوران حکومت سه خلیفه اول به شدت تحت فشار بوده و طعم تلخ اهانتها و تبعیضهای قومی را از نزدیک لمس کرده بودند. اما حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود سعی فراوانی در جهت حفظ حقوق ایرانیان، هم پای سایر مسلمانان نمود و زمانی که اعتراض و مخالفت اشراف قبایل عرب به رعایت حال ایرانیان در موارد مختلف، از جمله

تقسیم بیت‌المال، را مشاهده نمود، خطاب به آنان فرمود: «تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل بر اسحاق به اندازه یک چوب برتری نیافتم.» البته این برخورد حضرت اختصاص به مردم ایران نداشت، بلکه ایشان در پیاده کردن احکام اسلامی به هیچ وجه قومیت و جایگاه طبقاتی و اجتماعی را دخالت نمی‌داد. با حضور علی (ع) در کوفه و نحوه علمکرد و جدیت ایشان در پیاده کردن احکام اسلام، موقعیت سیاسی امتیازهای اقتصادی بسیاری از اشراف قبایل عرب در معرض خطر از دست رفتن قرار گرفت. آن‌ها در معاویه بن ابوسفیان و نحوه حکومت وی، احیای امتیازات دوران جاهلیت و نیز سود بیشتر را می‌دیدند، ولی در عین حال مردد بودند که خود را به طور کامل تسلیم وی نمایند، زیرا نمی‌خواستند زیر سلطه اشراف و قبایل مستقر در شام باشند. این افراد به صورت ظاهر در صف ارتش علی (ع) قرار داشته و حتی با حضرت بیعت هم می‌کردند، ولی تعداد زیادی از آنان مثل اشعث بن قیس کندی با معاویه ارتباط برقرار کرده و با مذاکرات مخفیانه سعی در احیای امتیازات قومی و قبیله‌ای خود داشتند و معاویه هم از این موقعیت ایجاد شده، در راه پیاده کردن اهداف خود سود می‌برد. اشراف و رؤسای قبایل کوفه و به تبع آن، مردم و اهالی قبایل ساکن در کوفه از رویارویی مستقیم با خطری که امکان وقوع آن وجود داشت گریزان بودند و تجارب تاریخی نشان داده بود که عملاً فاقد شهامت لازم و ثبات قدم در بحران‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های انقلابی در کوفه بودند. این مسأله شهر کوفه را به شهری نامطمئن و بی‌ثبات در حرکت‌های سیاسی که علیه امویان انجام می‌گرفت تبدیل کرده بود و حکومت اموی با توجه به بافت ناهمگون قبیله‌ای این شهر و پایبندی اشراف قبایل کوفه به امتیازات سیاسی-اجتماعی و منافع مادی خود، اکثر قیام‌هایی که در این شهر علیه آنان پامی‌گرفت را در خون فرو می‌نشانند. در رأس این حرکت‌ها، قیام حضرت امام حسین (ع)، قیام قوابین و قیام زیدبن علی بود. به دلیل اقدامات امویان در جهت توسعه قلمرو و کسب منافع بیشتر در مرزهای شرقی، یعنی ایران و ماوراءالنهر (سیحون و جیحون)، شهر کوفه به عنوان پایگاه

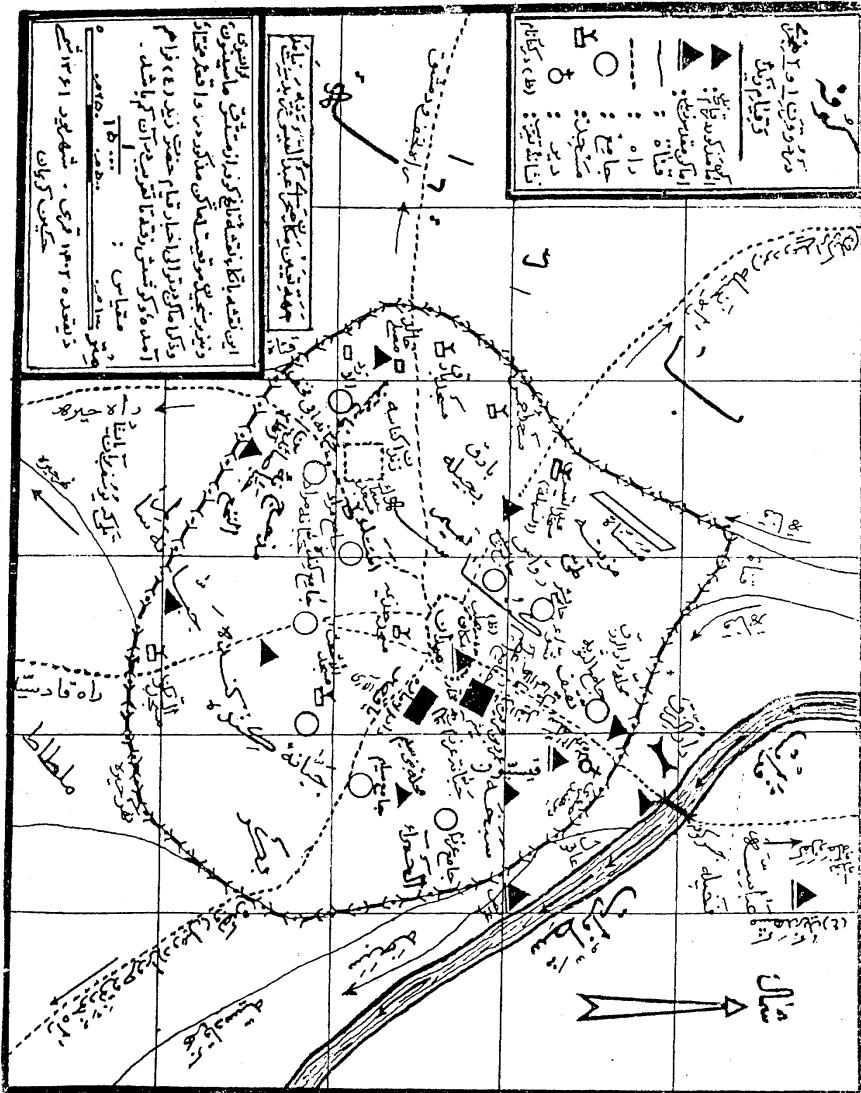
سیاسی - نظامی آنان در بین‌النهرین و به عنوان مرکزی برای کنترل و نظارت بر فلات ایران مطرح بود. در واقع، در عهد امویان حاکم عراقین (بصره و کوفه) حاکم اصلی ایران تا حدود خراسان بزرگ نیز محسوب می‌شد و این امر باعث افزایش اهمیت نظامی - سیاسی و بالطبع رونق اقتصادی کوفه در عهد امویان شده بود. اثرات این رونق اقتصادی در دوران خالد بن عبدالله قسری که از سال ۱۰۵ تا ۱۲۰ هـ، حاکم عراق بود نمایان گردید، به نحوی که به دستور خالد بازارهای زیادی ساخته شد و برای هر صنفی از بازرگانان سرا و در بندی در نظر گرفته شد. بها و اجاره این اماکن تجاری به حدی بود که تأمین‌کننده نیازهای ده هزار مرد جنگی حاضر در کوفه بود.<sup>(۱۲)</sup> پس از انقراض امویان به دست عباسیان در سال ۱۳۲ هـ و استقرار حکومت عباسی، کوفه اهمیت سیاسی نظامی و به دنبال آن، اهمیت اقتصادی خود را از دست داد. در عصر عباسی دوم با تضعیف قدرت سیاسی بنی عباس، شهر کوفه در پی حملات قبایل بدوی و غارتگر عربستان، بویژه قرامطه (گروهی از اسماعیلیان) و طوایف شمّر و خفاجه، به شدت لطمه خورد و تخریب گردید. با توجه به گذشته تاریخی و وقایع تلخی که در این شهر اتفاق افتاده بود، حکومت‌هایی مانند آل بویه و سلجوقیان و یا حکومت‌های پس از سلاجقه که بر بین‌النهرین تسلط پیدا کردند، دیگر تمایلی به بازسازی و توسعه شهر کوفه نداشتند؛ بویژه آن‌که اهمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی مذهبی کوفه در مقیاس بسیار وسیع‌تر به شهر بغداد که در سال ۱۴۵ هـ، به وسیله منصور دومین خلیفه عباسی ساخته شده بود منتقل گردیده بود. ابن جبیر سفرنامه‌نویس مسلمان که در سال ۵۸۰ هـ، شهر کوفه را از نزدیک مشاهده کرده، درباره آن چنین می‌گوید:

«کوفه شهری است بزرگ و کهن‌ساز که ویرانی بسیاری بر آن دست یافته و ویرانه‌هایش

بیش از آبادی‌های آن است. یکی از اسباب ویرانی کوفه وجود قبیله خفاجه درهمسایگی شهر

است که همواره بدان‌گزند رسانند و همین پس که به توالی روزها و شب‌ها بدان شهر در آیند و

آن را غارت ویران‌کنند. ساختمان‌های این شهر، بویژه آجری است و شهر دیوار ندارد و



نقشه بین‌النهرین برگرفته از کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، اثر لستر نچ

---

مسجد جامع کهنه در انتهای شرقی شهر است و از سوی شرق هیچ ساختمانی بدان مسجد که بسیار بزرگ است پیوسته نباشد این مسجد در سمت قبله پنج رواق و در دیگر جوانب هر یک دو رواق دارد و این رواق‌ها را ستون‌های سنگی سخت تراش خورده‌ای است که قطعه قطعه بر روی هم نهاده شده و با سرب به هم پیوسته است ولی طاق‌هایی بر آن صفت که در مورد مسجد پیامبر خدا صلی‌الله علیه وسلم در مدینه ذکر کردیم، ندارد. این ستون‌ها را بسیار بلند افراشته و به سقف پیوسته‌اند چنان‌که دیدگان از فزونی بلندای آن به حیرت می‌افتند، و من در زمین، مسجدی با ستون‌های بلندتر و سقف افراشته‌تر از آن مسجد ندیدم.»<sup>(۱۳)</sup>

در واقع، شهر کوفه از قرن ۶هـ، به صورت شهری مرده در آمد که موجودیت آن به دلیل سابقه تاریخی‌اش در اسلام حفظ شده، و یادآور حوادث و وقایع تلخ و ناگواری است که در تاریخ اسلامی به وقوع پیوسته است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ما هر چیز را از آب زنده گردانیدیم.
۲. به نقشه راهنمای بین‌النهرین رجوع شود.
۳. طبری، *الرسل والملوک* وقایع سال ۱۷هـ. ج ۵، ص ۴۵-۴۶ و ۱۸۴۳-۱۸۴۴.
۴. احمد بن یحیی بلاذری - *فتوح البلدان*، ص ۳۶-۳۷.
۵. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۴۹۰.
۶. طبری، همان، ص ۱۸۴۸-۱۸۵۱.
۷. غلوه فاصله‌ای است معادل  $\frac{1}{35}$  فرسنگ، یعنی ۲۴۰ متر.
۸. هاشم جعیط، *کوفه پیدایش شهر اسلامی*، ص ۱۰۷.
۹. یاقوت حموی، همان، ص ۴۹۱.
۱۰. احمد بن یحیی بلاذری، همان، ص ۳۷-۴۱.
۱۱. احمد بن یحیی بلاذری، همان، ص ۳۷-۴۱.
۱۲. یعقوبی، *البلدان*، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۸۹.
۱۳. محمد بن احمد بن جبیر، *سفرنامه ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی.